

معاد

آثار
اعمال

هر موجودی از موجودات جهان دارای خاصیت و اثر مخصوصی است، همچنانکه عسل شیرین و نمک شور و زهر قاتال و حنظل تلخ و زعفران خوشبو است هر یک از اعمال انسان نیز دارای خاصیت و اثر مخصوصی است که خداوند متعال یا خود در ضمن دسته ای از آیات قرآن مجید از این آثار خیر داده است و یا اینکه اهل بیت وحی و عصمت (ع) آن آثار را در طی احادیثی بیان کرده اند.

بر ما بمناسبت بحثی که داریم لازمست این دسته از آیات و احادیث را که نقش بسیار مهمی در دعوت و تشویق به کارهای خوب و در بازداشتن از کارهای ناپسند دارد مورد بررسی و مطالعه قرار بدهیم و مخصوصاً به آثار و نتایج اعمال در جهان آخرت توجه داشته باشیم در مقاله های پیشین قسمتی از این قبیل آیات و احادیث را تذکر دادیم اکنون در دنباله آن بحث می‌گوییم یکی از اعمالی که دارای عکس العمل و نتیجه بسیار مهم است رعایت حق پدر و مادر است.

بهمان نسبت که مراعات این حق دارای اثر خوب و مطلوب است سرپیچی از آن نیز دارای عکس العمل و اثر نامطلوب است.

باید توجه داشت که حق پدر و مادر یک حق روشن فطری و عقلی است زیرا هر بشری این حقیقت را احساس میکند که وجود و شخصیت او همیشه تحقق نداشته و این وجود و شخصیت را که هم اکنون دارد خود او بوجود نیاورده است بلکه خداوند هستی بخش او را آفریده و به او لباس هستی پوشانیده است.

ما همه میدانیم که از آغاز باین صورت که هم اکنون هستیم نبوده ایم ذرات وجود ما مدتی در میان آب و خاک این جهان پراکنده بود تا اینکه دست قدرتی آنها را جمع کرده و بهم التیام و ارتباط داده و بصورت گیاه و دانه و میوه که پایه اصلی غذای انسان است در آورده و از آن پس آنرا بنطفه و

میفرماید: «قُلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی آیا پاداش نیکی جز نیکی میتواند باشد؟ برای تثبیت همین مطلب است که این یک امر فطری است و یکی از اصول مسلمه ای که حکما و متکلمین بر آن تکیه کرده و آنرا اساس خداشناسی و پرستش آن ذات مقدس معرفی کرده و گفته اند «شکر مُشیم عقلاً لازم است» نیز همین است.

سخن سرای نامی سعدی شیرازی در رابطه با مجسم کردن مقداری از این سرگذشت چنین میگوید:

توفانم بخود نبستی بکفدم
ز غیبت قدد میسر شد دمبدم
نه طفلسی دهن بسته بودی زلاف
همی روزی آمد بخوفت زناف
چونافت بریدند و روزی گشت
به پستان مادر گرفتی دودست
بسین تا یک انگشت از چند بند
بهنع خدائی بهم درفکنند
تأقل کن از بهر رفتنار مرد
که چند استخوان پی زد و وصل کرد
دو صد مهره بریکد گرساخته است
که گل مهره ای چون تو برداخته است
ز ابر افکنند فطره ای سوی بسم
ز صلب آورد نطفه ای در شکم
از آن فطره لوسوی لالا کشد
وزین قامنس سروبالا کند
دهد نطفه را صورتی چون پری
که کرده است درآب صورتگری
کنار و تر مادر دلپذیر
بهشت و پستان در آن جوی شیر
درختیست بالای جان پرورش
و شد میوه نازنین در ترش
ترا آنکه چشم و دهان داد و گوش
اگر عاقلسی در خلافتش مگوش
راستی بعد از حق خداوند که نعمت های او قابل
شمارش نیست (و همین وجود پدر و مادر هم باین مزایا
از نعمت های اوست) هیچ حقی با اندازه حق پدر و

سپس بملقه و مضغه تبدیل نموده و بعد از آن با ترسیم اعضا و اندام و تشکیل جهازات و دستگانه های لازم زندگی، کامل گردانیده و دارای حس و حرکت کرده است تا اینکه بصورت کودک ناتوانی پا بعرضه اینجهان نهاده و در هنگامی که متولد شده است با پستان پر از شیر و دل سرشار از مهنر مادر و قلب پر عطف و پدر و کانون زندگی گرم و راحت بخش مواجه گردیده است و دریا دریا محبت و عاطفه و احسان پدر و مادریه او قدم بقدم و لحظه بلحظه قدرت و تحرک بسوی رشد و کمال بخشیده است.

بنابراین نخستین و بزرگترین حقی که برگردن ما تعلق میگیرد حق خداوند هستی بخش و جهان و جان آفرین است و از آن پس حق پدر و مادر که در ایام خردی و ناتوانی رنج ما را متحمل گشته و مشکلات تربیت ما را برعهده گرفته اند تا توانستیم با پای خود راه برویم و با دست خود کار و با عقل خود فکر کنیم.

و چون طبیعت و فطرت انسان طوری است که هرگاه کسی در باره او احسان کند خود را مرهون آن احسان میداند لذا وجدان هر شخصی او را مدیون پدر و مادر خود و مرهون زحمات آنها میداند و میخواهد آنرا تلافی کند و گفتار خداوند نیز که در قرآن مجید

مادر مهم نیست.

زحماتی که پدر و مادر در راه فرزند متحمل میشوند و عواطف و محبت‌های عمیقی که اظهار میکنند در قالب هیچ بیان و در چهارچوبه هیچ قلم نمی‌گنجد!

چه شبهای سرد که مادر با تن لرزان و دل لرزانتر نخفته است تا اینکه فرزند بخوابد و چه روزهای گرم که پدر رنج کشیده و غرق ریخته است تا این فرزند سرگرم بازی شود و خشنود باشد.

راستی احسانهای توأم با عطفوت آنها را هرگز نباید فراموش کرد، مادر، فرزند خود را در دل خود پرورانده و از شیرۀ جانش تغذیه کرده و در آغوش خود منزل داده و روی سینه اش خوابانده و صدای قلب تپنده در محبت فرزند، فرزند را نوازش داده و بالأخره چه زحمت‌ها که نکشید و چه احساسات و عواطفی که ابراز نکرد.

دستش بگیرفت و با بسا بسرد
تا شبوة راه رفتن آموخت
شبهات بر گاه‌ها و او
بیدار نشست و عطفتن آموخت
بکحرف و دوحرف بر زبانش
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
لبخند نهاد بر دهانش
بر غنچه گل شکفتن آموخت

و بالأخره این پدر و مادر است که او را پر دوش کشیده و بر چهره اش بوسه‌ها داده و وسائل غذا و لباس و آسایش را فراهم کرده و در بیماری پرستاری کرده و در کودکی آذین آموخته‌اند و با رنج و زحمت فراوان توأم با مهر و عطفوت بزرگش کرده‌اند.

خداوند متعال در ۴ مورد قرآن کریم فرموده است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» که یکی از آنها باین شرح است:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِذَا بَلَغَ لَدَيْكَ الْكَبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا نَهْرًا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّحْتُمَا صَغِيرًا».

یعنی: خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و در باره پدر و مادر نیکی کنید چنانچه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند زنهار کوچکترین کلمه‌ای که موجب رنجش خاطر آنها گردد بآنها مگوئید و کمترین آزار بآنها نرسانید و با آنها با تکریم و احترام سخن بگوئید و در برابر

ایشان همواره پروبال تواضع و تکریم را بگسترانید و در باره آنها دعا کرده بگوئید پروردگارا همانطور که پدر و مادر مرا با مهریانی پرورش دادند آنها را مشمول رحمت و مهریانی خاص خود قرار بده.

ابوولاد حقاقت از حضرت صادق (ع) پرسید: معنای «احسان» در این آیه که خداوند فرمود: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چیست.

حضرتش فرمود «احسان» این است که معاشرت و مصاحبت با آنها را بر اساس گشاده‌رویی و ملاحظت و مهریانی و نیکی چنانکه شایسته است انجام بدهی بطوریکه پیش از اینکه خودشان اظهار کنند، احتیاجات آنها را برآورده کنی و کارهای مربوط بآنها را با انجام برسانی که دیگر آنها خودشان را محتاج به اظهار کردن و بازگو نمودن نبینند و با نگاهی سرشار از عاطفه و رقت بآنها بنگر و صدای خود را هرگز از صدای آنها بلندتر مکن و در کاری که آنها قصد انجام آن را دارند هرگز پیشدستی مکن و در موقع راه رفتن هیچوقت از آنها جلو نیفتی و نیز حضرت صادق (ع) فرمودند: اگر چیزی کوچکتر از کلمه «آف» (کوچکترین کلمه‌ای که در لغت عرب حاکی از ناراحتی است) وجود می‌داشت خداوند همان عبارت را بکار میرد و یکی از مهربان‌ترین عقوبت‌ها و حق‌شناسی در برابر پدر و مادر آن است که انسان به چهره پدر و مادر نگاه خیره بیندازد!

در این مورد احادیث بسیاری از اهل بیت و شیعیان عصمت سلام الله علیهم که نمایانگر اهمیت این حق است صادر گردیده است برای نمونه توجه باین حدیث که بیانگر لزوم تحمل زحمت در راه ادای حقوق است اهمیت و عظمت این حق روشن میگردد:

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: برای ادای حق پدر و مادر دو سال و برای ادای حق خویشاوندان یک سال راه پیمانی کن و مقدار یک میل راه برای عبادت مریض و دو میل برای تشییع جنازه و سه میل برای اجابت یک دعوت و چهار میل برای دادوسی یک درماننده راه پیمانی کن.^۵

و این حدیث نیز اهمیت این حق را بازگو میکند:

حضرت باقر (ع) فرمودند سه چیز است که هیچکس در تخلف و رعایت نکردن آنها در هیچ

حال معذور نیست:

۱- رعایت امانت چه اینکه کسی که امانت بتو سپرده و تو را امین دانسته است فرد خوبی باشد یا بد (مسلمان باشد یا کافر).

۲- وفا بعهده و وعده چه اینکه کسی که باو وعده داده‌ای آدم خوب باشد یا بد.

۳- نیکی و احسان به پدر و مادر خوب باشند یا بد.^۶ و بالأخره در راه انجام این وظیفه مهم هر گامی دارای پاداشی است.

اسلام حتی نگاه به چهره پدر و مادر از روی محبت را یک عبادت معرفی میکند و برای هر نگاه پاداشی معادل یک حج مستحی مقرر میدارد.

حضرت پیغمبر (ص) فرمودند: هر نگاه محبت آمیزی که از طرف فرزند نیکوکار بر چهره پدر و مادر بیفتد ثواب یک حج مستحی که مورد قبول خداوند باشد دارد گفته شد یا رسول الله! آیا اگر در یک روز صد مرتبه نیز این نگاه تکرار شود همین فضیلت را دارد فرمود: بلی خداوند بزرگتر و کریمتر از این است.^۷

حضرت صادق (ع) فرمودند:

۱- نگاه به چهره عالم آرامش به اخلاق و تقوا عبادت است.

۲- نگاه به چهره پیشوا و رهبر عادل عبادت است.

۳- نگاه به چهره پدر و مادر از روی رافت و مهریانی عبادت است.

۴- نگاه به چهره برادر دینی که او را برای خدا دوست میداری عبادت است.^۸

ابودر صحابی بزرگ حضرت پیغمبر (ص) گفت من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود نگاه بر چهره پدر و مادر و نگاه به قرآن و نگاه به کعبه عبادت است.^۹

باید توجه داشت که در برخی از احادیث نسبت به ادای حق مادر و اهمیت آن تاکید بیشتری بعمل آمده است:

حضرت رضا (ع) فرمودند: حق مادر لازمترین و واجبترین حقوق است برای اینکه او بار وجود تو را در داخل وجود خود در مدت نسبتاً طولانی حمل کرد و حفاظت تو را با چشم و گوش و تمام اعضا و جوارح خود در حالی که از این کار مسرور و شادمان بود بعهده گرفت و از اینکه او گرمته مانده است تا تو سیر و تشنه مانده است تا تو سیراب شوی و با لباس

ساده ساخت تا تو لباس بهتر بپوشی و در زیر آفتاب کار کرد تا تو در سایه بیارامی و از این کارها نیز خشنود بود، بنابراین باید با اندازه توان و قدرت خود در راه سپاسگزاری او بکوشی هر چند هرگز طاقت اینکه کوچکترین حق او را ادا کنی نداری.^{۱۱}

مردی بخندت حضرت پیغمبر (ص) عرض کرد یا رسول الله! مادر من سخت پیر شده است و من او را بر پشت خود حمل میکنم و از دسترنج خودم با کمال عطفوت او را غذا میدهم و با دست خود کارهای مربوط با او را انجام میدهم آیا با اینوصف زحمات او را جبران کرده‌ام؟

حضرتش فرمودند: نه، هرگز زیرا شکم او مسکن تو و پستانهای او مخزن آب و نان تو و پاهای او وسیله حرکت تو و دستهای او سپر تو و آغوش او محل آرامش تو بود و او این کارها را با کمال خشنودی انجام میداد و آرزوی بقاء و حیات تو را داشت اما کارهایی را که گفستی انجام میدهی انجام میدهی ولی دوست داری که او از دنیا برود (بیش از این بزرگمت نیفتد یا مزاحم تو نباشد).^{۱۱}

منصورین حازم از حضرت صادق (ع) پرسید کدامیک از اعمال نیک با فضیلت‌تر است؟

حضرتش فرمودند:

- سه چیز افضل اعمال است:
- ۱- نماز خواندن در موقع خود.
 - ۲- نیکی و احسان پدر و مادر.
 - ۳- جهاد در راه خدا.^{۱۲}

حضرت رضا (ع) فرمودند خداوند به سه چیز توأم با سه چیز دیگر امر فرموده است:

- ۱- امر او به ادای نماز با امر او به ادای زکات توأم است بنابراین کسیکه نماز را بجا بیاورد ولی زکات را ادا نکند نماز او مورد قبول نیست.
- ۲- امر او به ادای شکر و سپاسگزاری برای خداوند با امر او به شکرگزاری و احسان پدر و مادر توأم است و کسیکه پدر و مادر را شکرگزاری نکند خدا را نیز شکر نکرده است.
- ۳- امر او بتقوا با امر او به صلوة ارحام (برقراری ارتباط نیکو با خویشاوندان) با هم توأم است و کسیکه صلوة ارحام بجا نیاورد تقوا را نیز نسبت بخداوند مراعات نکرده است.^{۱۳}

از تعدادی از احادیث مذهبی این مطلب نیز استفاده میشود که وظیفه و لزوم نیکی و احسان به پدر

و مادر مخصوص زمان حیات آنها نیست و برای فرزندان لازم است پس از مرگ نیز بیاد آنها باشند و از احسان و نیکی نسبت بآنها مضایقه نکنند که حضرت باقر (ع) فرمودند:

چه بسا افرادی که در حال زندگی پدر و مادر خود در باره آنها نیکی میکنند ولی پس از مرگ دین آنها را ادا نمیکند (باید بدانیم نماز و روزه‌ای که از پدر فوت شده است برعهده پسر بزرگتر است که باید انجام بدهد) و برای آنها استغفار نمی‌نمایند در نتیجه خداوند آنها را جزء کسانی که مراعات حق پدر و مادر را نکرده‌اند و با اصطلاح «عاق والدین» میباشند قرار میدهد و بعکس چه بسا کسانی که در حال زندگی پدر و مادر «عاق» بوده و حق آنها را مراعات نکرده‌اند اما پس از مرگ آنها دین آنان را اداء میکنند و برای آنها استغفار می‌نمایند خداوند آنها را جزء کسانی که حقوق پدر و مادر را مراعات میکنند بحساب می‌آورد.^{۱۴}

بطور خلاصه این موضوع از احادیث دینی بطور روشن استفاده میشود که ادای حق پدر و مادر در همین دنیا آثار و فوائد دنیوی و در عالم آخرت موجب سعادت خواهد بود و تخلف از آن در دنیا باعث گرفتاری و زیانهای بزرگ و در جهان آخرت موجب عذاب و شقاوت خواهد گشت.

حضرت صادق (ع) فرمودند: اگر میخواهی

خداوند عمر تو را زیاد و طولانی کند پدر و مادر را خشنود و راضی نگهدار از آن پس اضافه کردند نیکی در باره پدر و مادر موجب افزایش روزی نیز میگردد.^{۱۵}

و نیز حضرت صادق (ع) فرمودند شما در باره پدران خود نیکی و احسان کنید تا فرزندان شما نیز در باره شما نیکی و احسان نمایند و شما از زنها و نوامیس مردم چشم پوشید و عفت را مراعات کنید تا مردم از توامیس شما چشم پوشند و عفت را نسبت بآنها رعایت کنند.^{۱۶}

مردی از رویان حدیث بنام حثان میگوید ما در محضر پریرکت حضرت صادق (ع) شرفیاب بودیم و مردی بنام میسر در آن محضر از ارتباط خویشاوندی سخن بمیان آورد حضرتش باو فرمودند ای میسر عمر تو چندین دفعه بیابان رسیده و آجلت سرآمده است ولی چون تو با خویشاوندان خود خوشرفتار میباشی و صلوة ارحام بجا میآوری خداوند آجل تو را بتأخیر

انداخته است اگر دوست میداری که عمرت زیاد شود به پدر و مادر خود تا میتوانی نیکی و احسان کن.^{۱۷}

حضرت صادق (ع) فرمودند: کسیکه میخواهد سگرات و شدائد مرگ را خداوند بر او آسان بگرداند با خویشاوندان خود ارتباط قریب را حفظ کند و در باره پدر و مادر خود نیکوکار باشد که اگر چنین باشد خداوند سگرات مرگ را بر او آسان میکند و در زندگی هرگز گرفتار فقر نمی‌گردد.^{۱۸}

حضرت عسکری (ع) فرمودند: عتوق (یعنی رعایت نکردن حق پدر و مادر) باعث فقر و تنگدستی و موجب ذلت انسان می‌گردد.^{۱۹}

مردی بنام ابراهیم بن شعیب میگوید بمحض حضرت صادق (ع) عرض کردم: پدر من سخت پیر و ضعیف شده است و ما او را برای انجام حاجت بر دوش گرفته حمل می‌کنیم حضرتش باو فرمودند: تو خود شخصاً این کار را برعهده بگیر و با دست خود لقمه در دهان او بگذار که همین کار فردا (روز قیامت) برای تو بهشت خواهد شد.^{۲۰}

حضرت پیغمبر (ص) فرمودند: چهار عمل است کسیکه آنها را بجا بیاورد خداوند رحمت خود را بر او می‌گستراند و او را داخل بهشت میکند.

- ۱- با حسن اخلاق با مردم معاشرت کردن.
- ۲- با درماندگان و غمزدگان همدردی کردن و به آنها نیکی نمودن.
- ۳- بر اساس مهربانی و عطفوت با پدر و مادر رفتار کردن.
- ۴- نسبت بزرگستان نیکی و عطفوت داشتن.^{۲۱}

در مقابل این احادیث، احادیث بسیاری نیز بطور صریح و روشن بر این مطلب تأکید دارند که کسیکه حق پدر و مادر را رعایت نکند هرگز داخل بهشت نمیشود برای نمونه بذکر دو تا از آنها اکتفا میشود:

۱- حضرت صادق (ع) فرمودند کسیکه حق پدر و مادر را مراعات نمیکند و یا از خوردن شراب خودداری نمسی نمایند هرگز داخل بهشت نمی‌گردد.^{۲۲}

۲- و نیز آنحضرت فرمود: روز قیامت هنگامی که پرده بهشت کنار زده میشود همه افراد مگر یک بقیه در صفحه ۴۴

که یک نماز و یا دعای شما در ریزش باران نقشی ندارد. آنها که فیلسوف‌نما هستند هنرشان این است که عقاید مردم را انکار کنند، اکثر چیزهایی که تودهٔ مسلمین به آنها اعتقاد دارند برای من قابل برهان است، قربانیها، صدقات، صلوات‌های رحم، دعاها و امثال ذلک، در کل نظام تأثیر دارد، انسان با همه خاطرات و اعمالی که از او نشأت می‌گیرد مهره‌های همین جهان است، لذا در قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۸ و در سوره انفال آیه ۱۹ آمده است «وَأَنْ تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ كُنْتُمْ عُقَدًا وَمَنْ يُقَدِّدُوا يُقَدِّدُوا». اگر شما برگردید و عوض شوید لطف ما هم بر می‌گردد، چنین نیست که هر کاری انجام دهید، حوادث عالم همانطور ادامه یابد. البته مسأله کیفر و عقاب قیامت حساب جداگانه‌ای دارد، و گاهی هم انسان را گرفتار

تکثیر نموده و به اموال و اولاد می‌دهد تا بوسیله استدرج، عصبان و طغیانش افزون گردیده و سرگرم گردد، تا سرانجام در قیامت بر او سخت گرفته شود.

ادامه دارد

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱- سوره اسراء- آیه ۷۸. | ۹- سوره کهف- آیه ۱۸. |
| ۲- سوره طارق- آیه ۸۶. | ۱۰- سوره ق- آیات ۱۸-۱۷-۱۶. |
| ۳- سوره انفطار- آیات ۱۱-۱۰. | ۱۱- سوره انعام- آیه ۶۱. |
| ۴- سوره بقره- آیه ۲۸۱. | ۱۲- سوره زمر- آیه ۵۳. |
| ۵- کافی- جلد ۲- ص ۲۲۹. | ۱۳- سوره فجر- آیات ۱۶-۱۵. |
| ۶- سوره سبأ- آیه ۲۱. | ۱۴- سوره انفال- آیات ۵۳-۵۲. |
| ۷- سوره بقره- آیه ۲۵۵. | ۱۵- سوره اعراف- آیه ۹۶. |
| ۸- سوره انبیاء- آیه ۲۱. | |

بقیه از مشخصات کلی نظام آموزشی

۱۵- تناسب نداشتن محصولات نظام آموزشی با نیاز بازار کار کشور:

نظام آموزشی علاوه بر انجام رسالت‌های تربیتی و رفتاری و اخلاقی در مورد نسل آینده و اصولاً ساختن جامعه فردا، باید رسالت پرورش نیروهای انسانی متخصص و تکنیک دیده را انجام داده و مهارت‌های شخصی را در افراد به معنی واقعی کلمه ایجاد نماید. متأسفانه نظام آموزشی در هر دو قسمت از رسالت‌های خود ضعیف عمل کرده است که البته از چنین نظام آموزشی و با چنان بنیاد و مشخصه‌هایی که بیش از این انتظاری نمی‌رود.

جامعه با روند گسترشی روبه‌رو است و توسعهٔ تکنولوژی هر روز تکنیک جدیدی را بوجود می‌آورد و از همه مهم‌تر، نیازهای جوامع روند فزاینده‌ای دارد که با توجه به منابع خدادادی طبیعت، انسان تا گذیر است به خلق تکنولوژی و تکنیک‌های جدید پردازد تا بتواند نیاز خود را از منابع خدادادی طبیعی و جغرافیایی تأمین نموده و جوامع بشری را با تدبیر لازم اداره نماید. انجام این امور جلگگی به مهارت نیاز دارد. و انسانها باید برای رفع نیازها، مهارت‌های لازم را کسب نمایند. اگر انسان‌ها در جامعه این مهارت‌ها را کسب ننموده و یا از حیث کمی و کیفی بطور ناقص کسب نمایند یقیناً تنگنای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بروز کرده و جامعه دچار بحران اشتغال نیز خواهد گردید.

سبب عظیم جمعیتی جامعه را، نظام آموزشی باید از حیث کسب مهارت‌ها، با نیازهای متنوع و فزاینده بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تناسب داده و تربیت کند. نظام آموزش باید جنبه‌های مختلف تهجد و تقوی و عشق و ایثار و نیر تخصص و مهارت خوب را در افراد ایجاد و رشد دهد. در صورتیکه مجموعه نظام آموزشی مدرسه‌ای و دانشگاهی کشور

بقیه از آثار اعمال

گروه از فاصله پانصد سال راه بوی بهشت را استشمام می‌کنند و آن یک گروه کسانی هستند که عاقق پدر و مادر باشند.^{۲۳}

ادامه دارد

- | |
|--|
| ۱- سوره الرحمن- آیه ۶۰. |
| ۲- سوره اسراء- آیه ۲۲-۲۴. |
| ۳- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۴۰. |
| ۴-۵- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۸۳. |
| ۶- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۵۶. |
| ۷- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۷۳. |
| ۸- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۷۱. |
| ۹- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۷۳. |
| ۱۰-۱۱- کتاب مستدرک الوسائل- ج ۲ ص ۶۲۸. |
| ۱۲- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۴۵ و ۸۵. |
| ۱۳- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۶۸. |
| ۱۴- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۵۹. |
| ۱۵- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۸۱. |
| ۱۶- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۶۵. |
| ۱۷- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۸۴. |
| ۱۸- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۶۶. |
| ۱۹- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۸۴. |
| ۲۰- سفینه البحار- ج ۲ ص ۲۸۷. |
| ۲۱ و ۲۲- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۷۱. |
| ۲۳- بحارالانوار- ج ۷۱ ص ۶۰. |

منطقه‌ای دید و باز متخصصین علوم انسانی و جغرافیا و برنامه‌ریزی هستند که می‌توانند میزان نیاز شغلی جامعه را در هر بخش و هر تخصص در چشم انداز آینده مشخص و بر روی جهت‌گیری و ساختار نظام آموزشی مدرسه‌ای و دانشگاهی کشور اثر بگذارند و اصولاً تنگنای اشتغال را برطرف نمایند.

ادامه دارد

در انجام این رسالت قوی عمل ننموده است و علاوه بر نارسائی‌های تربیتی و رفتاری که در محصولات آن وجود دارد نتوانسته است مهارت‌هایی به آنها بدهد که نیاز جامعه را مرتفع نماید. و این امر باعث گردیده است که از سونی کشور دچار تنگنای نیروی انسانی متخصص باشد و کلبه برنامه‌ریزی‌های توسعه را تحت تأثیر قرار دهد و از سوی دیگر باعث بیکار ماندن فارغ التحصیلان شده و بحران اشتغال را ایجاد نماید. در اینجا وقتی صحبت از نیروی انسانی متخصص می‌شود منظور فقط فنی و حرفه‌ای نیست که بعضی از پیش‌ها متأسفانه اینگونه به فکرمی‌نگرند و تصور می‌کنند باید همه چیز به این سمت سوق داده شود که همانطور که در بحث نقش استعمار فرهنگی دیدیم یکی از جهت‌گیری‌های نظام‌های آموزشی در کشورهای زیر سلطه همین مسئله می‌باشد که اغنیاء و اشراف زادگان بسوی تخصص‌های عالی و نظری پیش بروند و محرومین و مستضعفین در مسیر آموزشهای فنی و حرفه‌ای قرار گیرند تا نیروی کار جسمی ویدی جامعه را تأمین نمایند بلکه امروزه مشکل کشور ما قبل از اینکه تربیت نیروی فنی و حرفه‌ای باشد کمبود و نبود نیروهای متخصص علوم اجتماعی و انسانی و جغرافیا و برنامه‌ریزی و آزمایش پرزمینی است که باید با تفکر عمیق به مسائل اصلی جامعه و کشور پردازند و آن را بخوبی تجزیه و تحلیل کنند و بخش‌های مختلف توسعه را در سطح ملی و منطقه‌ای هدایت سیستمی و نظام یافته نمایند و چهره و فضای جغرافیایی کشور را از حیث سکونت‌گزینی و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دفاعی در چشم‌انداز آینده آرایش دهند و مقدار و چگونگی کاربری منابع و تواناییها و نیروهای انسانی و محصولات نظام آموزشی کشور را مشخص کنند. و بالاخره خط مشی و استراتژی بخش‌های مختلف توسعه کشور منجمله نظام آموزشی را مشخص نموده و آن‌ها را در مسیر خیر و صلاح آینده جامعه هدایت برنامه‌ای نمایند.

این است که تربیت نیروی متخصص را در تمامی ابعاد انسانی- اجتماعی- جغرافیایی- برنامه‌ریزی- کشاورزی- فنی و مهندسی و درمانی و بهداشتی و غیره باید متعادل و در قالب یک برنامه توسعه جامع ملی و